

## جایزه ادبی نوبل برای روایت مستند

سعید رضوانی (عضو هیئت علمی و مدیرگروه زبان آلمانی دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه شهید بهشتی)

آکادمی سلطنتی هنر سوئد امسال قرعه نوبل ادبیات را به نام سوتلانا آلکسیویچ (Svetlana Alexievich)، نویسنده و روزنامه‌نگار شصت‌وهفت ساله اهل بلاروسیا (روسیه سفید)، زد. این گزینش روز ۱۸ اکتبر ۲۰۱۵ در استکهلم اعلام شد. هیئت داوران جایزه ادبی نوبل، در بیانیه‌ای که هر بار به مناسبت اهدای آن و در توجیه رأی خود صادر می‌کند، هنر چندصدائی سوتلانا آلکسیویچ را، که رنج و شهادت پشتوانه آن بوده، ستود. آثار آلکسیویچ، چنان‌که در ادامه بیانیه آمده، «با هم‌نشین ساختن صداهای انسانی، شناخت ما را از یک دوران تاریخی عمیق‌تر می‌سازند».

سوتلانا آلکسیویچ، در ادبیات جهان، به خلاف آنچه پس از اهدای جایزه در مطبوعات ایران انعکاس یافت، چهره ناشناخته‌ای نبود. وی، پیش از این، برنده جوایز معتبر پرشماری شده بود. سال‌ها بود که از نامزدی وی برای دریافت جایزه نوبل سخن می‌رفت و امسال نامش در رده‌های بالای فهرست‌های شرط‌بندی بر روی نامزدها جای داشت. مع الوصف انتخاب او، چنان‌که خواهیم گفت، منتقدانی را شگفت‌زده کرد و انتقادهایی برانگیخت.

سوتلانا آلکسیویچ روز ۳۱ مه ۱۹۴۸ در استان‌یسلاو (Stanislav اوکراین) از مادری اوکراینی و پدری بلاروسیائی زاده شد. وی، در شهر مینسک (Minsk)، کرسی روسیه

سفید، در رشته روزنامه‌نگاری تحصیل کرد و همین رشته را نیز برای فعالیت شغلی برگزید. نگاه انتقادی برای او مشکل ساز شد، چندان‌که ابتدا نتوانست جز در روزنامه‌ای محلی کار پیدا کند. نخستین رمان وی، جنگ چهره زنانه ندارد<sup>۱</sup>، به سال ۱۹۸۵ منتشر شد. این اثر، که دست‌مایه ساخت فیلمی مستند شد، صدای صدها زن را که در جنگ جهانی دوم شرکت کرده بودند منعکس می‌کند. آکسیویچ با زنانی که امروز هریک به حرفه‌ای اشتغال دارند اما، در جنگ، سرباز و تک‌تیرانداز و چترباز بوده‌اند یا پشت جبهه خدمت کرده‌اند مصاحبه کرده و روایت‌های آنان را کنار یکدیگر جای داده تا پرده‌ای فراخ از جنگ با آلمان نازی را پیش چشم خواننده بگستراند. تا به امروز، بیش از دو میلیون نسخه این اثر به فروش رفته است. آکسیویچ، در سال‌های بعد، با همین «شیوه تاریخ شفاهی»، فاجعه هسته‌ای چرنوبیل را، در اثر خود به نام چرنوبیل: گاه‌شمار آینده<sup>۲</sup>، به تصویر کشید و، در پسرچه‌های روین: افغانستان و نتایج آن<sup>۳</sup>، رنج‌های ناشی از مداخله نظامی شوروی در افغانستان را روایت کرد. پس از فروپاشی دیکتاتوری شوروی، دنبال کردن رد نگرش و کنش به‌جا مانده از آن نظام محور اصلی فعالیت‌های ادبی و در عین حال گزارشگرانه آکسیویچ بوده و آخرین اثر او، زمان دست دوم: زندگی بر ویرانه‌های سوسیالیسم<sup>۴</sup>، نیز وقف همین روشنگری شده است. آکسیویچ، بر اثر منع انتشار آثارش در بلاروسیا، سال‌ها دور از وطن خود زندگی کرد. اما در سال ۲۰۱۱، به رغم همه دشواری‌ها، دوباره ساکن بلاروسیا شد تا در کنار خانواده‌اش و با مردمی که از زندگی‌شان می‌نویسد ارتباط مستقیم داشته باشد.

آثار آکسیویچ را «رمان متشکل از صداها» خوانده‌اند. نویسنده از مصاحبه‌های پرشمار با شاهدان عینی وقایع دوران‌ها تصاویر ادبی می‌آفریند - سنفونی‌هایی متشکل از صداهای متعدد خاصه صدای کسانی که معمولاً شنونده‌ای ندارند از جمله کهنه‌سربازان جنگ، مادران کشته‌شدگان، و قربانیان پیگرد سیاسی. روایت مستند شاید مناسب‌ترین عنوان آثار آکسیویچ باشد - نویسنده‌ای که صاحب‌نظران، فارغ از اختلاف آراء در باب کیفیت ادبی آثارش، او را صاحب سبک می‌شناسند<sup>۵</sup>.

امسال نیز، مثل هر سال، کم نیستند منتقدانی که از رأی هیئت داوران نوبل اظهار

نارضایی می‌کنند. سال گذشته کسانی از اعطای جایزه به پاتریک مُدیانو، به این دلیل که غیرسیاسی است، انتقاد کردند. حالا موقعیت درست بر عکس شده است. در دوران اختلافات گسترده غرب با روسیه، اهدای جایزه ادبی نوبل به یکی از منتقدان ولادیمیر پوتین ناگزیر موجب این ظن می‌گردد که انگیزه‌های سیاسی در تصمیم داوران دخیل بوده است. اما نوع آثار آلکسیویچ بدبینی نسبت به معیارهای گزینش وی را بیش از حد معمول تقویت می‌کند. هستند منتقدانی که اصولاً آلکسیویچ را نویسنده نمی‌شناسند و آثارش را در مقوله ادبیات جای نمی‌دهند و می‌پرسند، چرا باید به گزارشگر جایزه نوبل ادبیات داده شود. ظاهراً، پس از وینستون چرچیل که در سال ۱۹۵۳، با خاطرات خود از جنگ جهانی دوم، به دریافت این جایزه موفق شد، آلکسیویچ نخستین برنده‌ای است که شاعر و نویسنده به معنای اخص آن شناخته نشده است.

آلکسیویچ چهاردهمین زنی است که جایزه ادبی نوبل را دریافت می‌کند. هیئت داوران جایزه امسال نخستین بار است که به ریاست چهره‌ای از طایفه نسوان، سارا دانیوس (Sara Danius)، تشکیل جلسه داد و از این رو ناظران انتظار داشتند که جایزه به نامزدی از این طایفه تعلق گیرد. بدین قرار، چه بسا در کنار ملاحظاتی سیاسی جنسیت آلکسیویچ نیز در انتخاب او مؤثر افتاده باشد.

1. У войны не женское лицо

War's Unwomanly Face (ترجمه انگلیسی)

La Guerre n'a pas un visage de femme (ترجمه فرانسه)

Der Krieg hat kein weibliches Gesicht (ترجمه آلمانی)

2. чернобыльская молитва 1997

Voice from Chernobyl. Chronicle of the Future (ترجمه انگلیسی)

Voice from Chernobyl: The Oral History of a Nuclear Disaster

La supplication: Tchernobyl, chronique du monde après l'apocalypse (ترجمه فرانسه)

Tschernobyl: Eine Chronik der Zukunft (ترجمه آلمانی)

3. Цинковые мальчики 1989

Zinky Boys (ترجمه انگلیسی)

Les cercueils de zinc (ترجمه فرانسه: تابوت‌های رویین)

Zinkjungen: Afghanistan und die Folgen (ترجمه آلمانی)

4. Время секунд ханд 2013

Second-Hand Time (ترجمه انگلیسی)

Secondhand-Zeit: Leben auf den Trümmern des Sozialismus (ترجمه آلمانی)

۵. آثار سوتلانا آکسیویچ به زبان‌های متعدد (آلمانی، اسپانیایی، استونیایی، اسلواکی، انگلیسی، اوکراینی، ایتالیایی، بلغاری، بیلوروسایی، پرتغالی، تلگوگو از زبان‌های دراویدی هند، چک، چینی، رومانیایی، ژاپنی، سوئدی، فنلندی، کروآتی، گره‌ای، گرجی، لتونیایی، لهستانی، لتوانیایی، مجاری، نروژی، ویتنامی، هلندی، یونانی) ترجمه شده است.

